

خبر

محکومیت قصاب متخلف

صدیقی- مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی از محکومیت یک قصاب متخلف در بجنورد خبر داد. «سیدالموسوی» گفت: در پی اعلام اداره دام پزشکی بجنورد مبنی بر عرضه گوشت تاریخ مصرف گذشته توسط یک واحد قصابی، گزارش تخلف به اداره تعزیرات ارجاع داده شد.

وی تصریح کرد: پرونده در شعب ویژه مورد بررسی دقیق قرار گرفت و پس از احراز تخلف صورت گرفته، متصدی واحد صنفی مذکور به پرداخت جزای نقدی بیش از ۱۱ میلیون ریال در حق دولت محکوم شد.

تنگر

نحوه اقامه دعوی در دیوان عدالت اداری (۱)

باتوجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری مرجعی است که به شکایت ها و اعتراض های مردم رسیدگی می کند. قدر مسلم اعتراض و شکایات افراد طبیعی و اشخاص حقوقی و خصوصی قابل طرح در دیوان است. بنابراین چنان چه واحدهای دولتی اعتراض یا شکایتی در زمینه های اعلام شده داشته باشند قابل طرح در دیوان نیست زیرا واحد دولتی، خارج از تعریف مردم است. در این نوشتار به زبان ساده به بیان حدود صلاحیت و چگونگی طرح دادخواست در دیوان عدالت اداری پرداخته خواهد شد.

حدود صلاحیت دیوان

مطابق قانون اساسی و قانون تشکیلات و آیین دادرسی مصوب سال ۱۳۹۲، دیوان عدالت اداری دارای دووظیفه اصلی یعنی رسیدگی به شکایت ها، تنظیم ها و اعتراض های شهروندان نسبت به مأموران واحدهای دولتی یا آیین نامه های دولتی و بازپس گیری حقوق آن ها و دیگری ابطال مصوبات دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده است. بخشی از این وظایف و صلاحیت ها به حل اختلافات کارگری اختصاص یافته است. بند ۱۰ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به گروهی از شکایات و اعتراضات پرداخته است و چنین مقرر می کند: "رسیدگی به اعتراض ها و شکایات ها از آراء و تصمیمات قطعی دادگاه های اداری و کمیسیون هایی مانند مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها منحصر از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آن ها" در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

معاونت فرهنگی داد گستری خراسان شمالی

دلیل عدم رعایت موضوع به مرجع قضایی معرفی شدند و در این مورد برای شان حکم صادر شد. وی افزود: روزانه در حدود ۱۲ تن شیر در راز و جرگلان تولید و به وسیله خودروهای حمل شیر به کارخانجات حمل می شود.

شیر در شهرستان راز و جرگلان، به دلیل عدم مراجعه برای دریافت مجوزهای جمع آوری شیر دو مرکز به مرجع قضایی معرفی شدند.

دکتر «ولی عابدی» گفت: این دو مرکز در سال گذشته نیز به

دو مرکز جمع آوری شیر در راز و جرگلان به دلیل حمل شیر خام بدون مجوز قرنطینه به مرجع قضایی معرفی شدند. رئیس شبکه دام پزشکی راز و جرگلان گفت: با توجه به بررسی سامانه قرنطینه و تعداد مجوزهای صادر شده برای مراکز جمع آوری

در راهروی دادگاه خانواده

آتش بددلی بر زندگی مشترک

صدیقی- وارد قضیه ای شدم که اصلا در توانم نبود و با ادامه این راه غلط زندگی ام را به سمت دره هول دادم. البته همسر هم بدبین و شکاک بود که با ندانم کاری این رفتار زشت او را بدتر کردم و آتش به زندگی ام انداختم.

زن جوان که ۶ سال بیشتر از زندگی مشترکش نمی گذرد پا در راهروی دادگاه خانواده گذاشته و درباره قصه زندگی اش می گوید: در ۱۸ سالگی پای سفره عقد با مردی نشستم که شکاک و به همه چیز و همه افراد بدبین بود و البته کارهایم در این باره بی تاثیر نبودند. حاصل ازدواج مان یک بچه ۴ ساله است که آینده اش همچون خودم در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. همه چیز از مشاوره تلفنی با پسر دایی ام آغاز شد.

پسر دایی ام با همسرش به مشکل خورده بود و چون به اعتقاد او من چند صبحی بیشتر زندگی مشترک را تجربه کرده بودم از من خواست او را راهنمایی کنم. من هم بدون در نظر گرفتن حساسیت های همسرم وارد این بازی شدم. مشاوره ام مدتی از طریق تلفن با پسر دایی ام ادامه داشت تا این که روزی همسرم حین صحبت تلفنی مچم را گرفت و دعوا به راه انداخت. بعد از این ماجرا همسر به سراغ پسر دایی ام رفت و با او دست به یقه شد.

از همه بدتر زمانی که همسر پسر دایی ام از موضوع با خبر شد به دروغ ادعا کرد که من به شوهرش رابطه دارم و همین مسئله خشم همسر را در چندان کرد. بعد از این کشمکش ها وقتی دیدم همسرم قصد جدایی از من را دارد با ترغند های مختلف سعی کردم او را منصرف کنم. او گفت اگر همه مهریه ام را با تعهد محضری بیخشم حاضر است من را ببخشد و به زندگی مشترک ما ادامه دهدیم. من بدون توجه به عواقب این کار با خواسته همسرم موافقت کردم. بعد از بخشیدن مهریه نه تنها شوهرم به زندگی برنگشت بلکه چند تهمت دیگر به من زد و دوباره در خواست طلاق داد. بعد از رو دست خوردن از همسر به دادگاه خانواده آمدم تا شاید یک راه حل برای سرپا نگه داشتن زندگی ام پیدا کنم.

ماجرای دختری که کور کورانه از دواج کرد

فرار به سوی تاریکی



صدیقی

غم از نگاهش می بارد. افسرده و بی رمق مدام به افق خیره می شود و منتظر است خبری از گم شده یا به قول خودش سایه سرش بشنود اما جز ناامیدی چیزی گیرش نمی آید. بعد از یک سکوتی غم انگیز لب به سخن می گشاید و با کشیدن نفسی عمیق می گوید: این آخر و عاقبت گوش دادن به نصیحت های دلسوزانه پدر و رفتن به دنبال عشق خیابانی است. از یک دختر شاد به یک آدم افسرده و شیشه ای تبدیل شدم و نه آینده ای برایم مانده و نه سایه سری مانند شوهر. این گوشه ای از صحبت های زنی جوان است که چوب ندانم کاری اش را خورده و حالا به قول خودش چشمانش باز شده است.

او تعریف می کند: همه چیز از یک آشنایی تصادفی در مسیر مدرسه شروع شد و از این آشنایی عشقی جرقه خورد و در نيزار تن خشک ام افتاد و من را خاکستر کرد. پدر و مادرم هر دو معناد و بی سواد بودند و دنیای شان دود، نشئه و خماری بود. با پسر غریبه ارتباط مان از طریق تلفن بود و رفته رفته آن قدر علاقه ام به او زیاد شد که احساس می کردم اگر یک روز صدای او را نشنوم از غصه دق می کنم و زندگی برایم جهنم می شود. ارتباط تلفنی بین دختر و پسر غریبه ای که از اتباع کشور همسایه بود چند سالی طول کشید تا این که کار به قرار و مدار خواستگاری کشیده شد اما یک سد بزرگ یعنی پدر خانواده مقابل این ازدواج غیر منطقی و احساسی قرار گرفت. می گوید: زمانی که پسر مورد علاقه ام گفت به خواستگاری ام می آید پدرم سرسختانه مخالفت کرد چون معتقد بود ازدواج مان به خاطر این که او تبعه یک کشور دیگر است به مشکل برخورد خورد.

اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و گوشی برای شنیدن این حرف ها نداشتم. پدرم را تهدید به فرار از خانه کردم اما قیاده ای نداشت و او باز مخالفت کرد. ۱۳ سال بیشتر نداشتم و عقل ام به

آخر و عاقبت کاری که می خواستم انجام دهم قد نمی داد. بالاخره دختر کم سن و سال تحت تاثیر حرف های عاشقانه پسر غریبه قرار می گیرد و با برداشتن مدارک هویتی اش از خانه فرار و زندگی اش را وارد مرحله ای خطرناک می کند. زن جوان افسرده تعریف می کند: بعد از فرار از خانه به اتفاق پسر رویاهایم به یک شهر غریب رفتیم و در یک باغ ساکن شدیم. پسر مورد علاقه ام به عنوان نگهبان در آن جا مشغول به کار شد و این ماجرا نزدیک به دو سال طول کشید تا این که مادر دل سوخته ام را از مکان خودم با خبر کردم و او با چشمانی اشکبار و نگرانی سر سفره عقد ما دو نفر نشست و بعد از آن دوباره مادرم راهی دیار خودش شد.

بعد از ازدواج رسمی پسر عاشق پیشه با صاحب کارش سر ناسازگاری می گذارد و از آن جا به ناچار به یک مرغداری نقل مکان می کنند.

زن نادم می گوید: بعد از این که در یک مرغداری ساکن شدیم تهدید و مزاحمت های پسرهای محل برای شوهرم شروع شد چون او خارجی بود حضورش را در محل تحمل نمی کردند حتی چند

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت

آقای خلیل داوری فرزند صیدنور به شماره شناسنامه ۱۰۴۶ و شماره ملی ۵۹۱۹۶۹۲۵۰۲ صادره از راز و جرگلان برابر مشروحه شماره ۰۶۵۸۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۸ با تسلیم دو برگ استشهادیه که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۹ شهرستان بجنورد گواهی شده است مدعی شده اند که سند مالکیت ششدانگ (که از مورد ثبت برابر سند رسمی شماره ۲۳۴۵۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۲۰ دفتر خانه ۲ بجنورد مقدار ۲۰ سهم و ۴۳۱ هزارم یک سهم از ۹۲/۱۰ سهم از ششداگ به غیر انتقال یافته است) پلاک ۵ فرعی از ۹۸۸ اصلی واقع در بخش یک بجنورد به شماره ثبت ۱۳۷۵۶ صفحه ۳۴۱ دفتر ۷۸ به شماره چاپی ۱۰۴۶۳۷ به علت جا به جایی مفقود شده است درخواست صدور سند المثنی نوبت اول نموده، لذا طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

علیخان نادری- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

۲۲۲/م

۹۷۰۷۰۸۸۲/۳

مژده
مژده

سومین مرحله قرعه کشی ماهانه
ملورین در سال ۹۷

همزمان با روز میلاد امام رضا (ع)

عرضه کلیه کالاها با قیمت VIP به مناسبت دهه کرامت

۱۳۹۷/۵/۳

۱۳۹۷/۴/۲۴

فرصت کمی باقیست تا اروزان بخیرید

و شانس برنده شدن خود را افزایش دهید

جوايز اين دوره ۳ مرداد

مرکز خرید تفریح و سرگرمی ملورین

۲ دستگاه تبلت

۲ دستگاه توستر

۳ دستگاه دوچرخه

۴ سرویس چینی

۱۲ ضیافت شام دونفره

۱۲ عدد بن خرید پوشاک

به ارزش ۵۰۰۰۰ تومان

فقط ۲ روز فرصت دارید

شعبه یک : بجنورد - خیابان قیام جنوبی. شهرک ناوک - مرکز خرید. تفریحات سرگرمی ملورین

شعبه دو : شیروان کوجه خاللق - چهارراه ابن سینا - مرکز خرید ملورین

۲۱۳۱ @melorin_newclub

خريد تلفنی (۱) ۰۵۸۳۶۲۳۱۲۳۴

۹۷۰۷۰۹۱۸

قابل توجه

ارائه دهندگان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت

* تالارها

* مراکز طبخ غذا

* پارچه نویسان

* حکاکان

* ظروف کرایه، ظروف یک بار مصرف

برای درج آگهی در صفحات روزنامه

با تخفیف ویژه به شماره های زیر تماس بگیرید:

۳۲۲۴۵۰۰۵ - ۳۲۲۱۲۷۶۰

۹۷۰۷۰۹۲۱